

### متن پرسش

سلام علیکم: با وجود اینکه حضرتعالی در این مورد صحبت و یادداشت داشته اید و نکاتی هم فرموده اید در قالب پاسخ به پرسشها، ولی می‌خواستم این مطلب را از این جهت بپرسم که حضرتعالی بعنوان یک شخصیت فعال در معرفت دینی که بحمدالله سالهاست در این زمینه فعالیت کرده اید و مباحث حکیمانه ای را مطرح کرده اید، به تولید و حرکت در مسیر علم دینی و طرح نظریات مبتنی بر منطق دینی و توحیدی و به تعبیر جنبش نرم افزاری که مورد بحث بوده است، معتقدید و آنرا جهت نیل به تمدن نوین اسلامی و ساخت یک تمدن ماورای تمدن مدرنیته و گذار از الگوی لیبرال دموکراسی که امروز پرچمدار مدرنیته و تمدن مدرن هست، ضروری می‌دانید و نقطه عطفی جهت حرکت در مسیر آن تمدن و ساخت زیر نظام های اجتماعی\_تمدنی مبتنی بر منطق و حکمت اسلامی قلمداد می‌کنید؟ به نظر شخصی خود من بعنوان کسی که از محضر تان تلمذ کرده ام و آثار و مباحث تان را سعی کرده ام دقیق بررسی کنم، تولید علم دینی و جنبش نرم افزاری، یک گام مهم و از مبانی نظری و علمی طرح ریزی و اجرای الگوی تمدنی انقلاب اسلامی است و ما ضرورت دارد مطابق با انسان شناسی، هستی شناسی و معرفت شناسی شریعت اسلام، علم و حکمت متناسب و منطبق داشته باشیم و حتی در برخورد با علمی که مبدا شان نگاه توحیدی و یا افراد و جوامع توحیدی نبوده اند، هم با همین معیار جلو برویم که آیا با مبانی ما در تعارض است و نقطه مقابل آن است یا اینکه می‌توان با خودآگاهی و بصیرت لازم آن را درون دستگاه علمی و حکمی خود و چارچوب انقلاب اسلامی و تمدن نوین اسلامی مستحل کرد و آنرا درون دستگاه و روح عقاید خود معنا کرد و نظم مطلوب را به آن بدهیم تا دیگر هویتی متمایز از آن مبدا و نگاه و هویت غیر توحیدی و یا متضاد پیدا کند. و البته این نیاز به یک شجاعت و بصیرت قوی دارد چون متاسفانه همچنان خیلی ها نظریات و مبادی کنونی علم و دستاوردهای علم مدرن را قطعی و ثابت و مفروض می‌دانند و شجاعت نقد و رد آنها و جایگزین کردن مبادی دیگر را ندارند و حتی آنرا یک عمل بلندپروازانه و غیر واقعی و غیر منطقی می‌دانند و این به نظرم خود یک آفت بزرگ است که باید کنار زده شود.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ابتدا باید حکمت و عرفان اسلامی و نگاه قرآنی خود را بچشم و بعداً راه حلّ دومی که جنابعالی می‌فرمایید، راه حلّ بسیار مهمی است زیرا حقیقتاً ما مرزی با متفکران نداریم هرچند بعضاً آنان در بستر تاریخی و فرهنگی خود ممکن است دغدغه‌ها و یا راه حلّ‌هایی داشته

باشند که از یک طرف قصه‌ی ما نیست، و از طرف دیگر قصه‌ی همه‌ی بشریت است. موفق باشید